

## آلخوکار پانتهیه:

### استاد نثر نو



چهارم اردیبهشت ماه امسال مصادف با هشتمین سال درگذشت نویسنده بزرگ کوبا «آلخوکار پانتهیه» (*Alejo Carpentier*) است نویسنده‌ای که با همه شهرت و آوازه جهانی‌اش متأسفانه تاکنون در میان فارسی زبانان منزلتی متناسب با شأن خویش نیافته است. از میان آثار متعدد «کار پانتهیه» تنها رمان «قرن روشنائی‌ها»

(*Le siecle des lumiers*) زیر عنوان نامناسب «انفجار در کلیسای جامع» به ترجمه سروش حبیبی در سال ۱۳۵۳ منتشر شد. مقاله زیر که با عنوان «استاد نثر نو» پس از زندگی‌نامه کوتاه نویسنده خواهد آمد؛ در واقع، نوعی سرگذشت‌نامه ادبی و هنری است به قلم «ژان پیر لئوناردینی» (*Jean Pierre Leonardini*) منتقد معاصر فرانسوی. «لئوناردینی» کوشیده بر مبنای تحلیل تاریخی آثار «کار پانتهیه» کوتاه و سریع خطوطی از روند فکری و هنری نویسنده کوبائی رسم کند که با همه ایجاز می‌تواند در معرفی نسبی «آلخوکار پانتهیه» و آثار با ارزش او کار ساز باشد.

\*\*\*

«آلخوکار پانتهیه» از پدری فرانسوی و مادری روسی به سال ۱۹۰۴ در هاوانا متولد شد. در ۱۷ سالگی همزمان با اشتغال به کار مطبوعات، در دانشگاه هاوانا به تحصیل در رشته معماری پرداخت. مدتی نیاثید که دانشگاه را رها کرد و هم خود را یکسره صرف کار روزنامه‌نگاری کرد.

در سال ۱۹۲۴ سردبیر مجله «کارتلس» (*Carteles*) معتبرترین نشریه آن روز کوبا شد. سه سال بعد یعنی در ۱۹۲۷ به سبب فعالیت‌هایی گسترده در عرصه ادب و سیاست به زندان افتاد. پس از آزادی از زندان «کار پانتهیه» به عنوان نماینده مجله «کارتلس» سابق الذکر و نشریه «سوسیال» (*Social*) رهسپار پاریس شد. از این تاریخ تا سال ۱۹۵۹ که با پیروزی انقلاب کوبا به وطن بازگشت، کار پانتهیه همه دوران طولانی زندگی در غربت و تبعید را به مبارزه در عرصه قلم و قدم با رژیم دیکتاتوری کوبا - حکومت دست‌نشانده آمریکا - گذراند. بلافاصله پس از بازگشت به میهن در سال ۱۹۵۹ نخست معاون صدر شورای ملی فرهنگ شد و اندکی بعد کرسی استادی تاریخ هنر در دانشگاه هاوانا بدو تفویض گردید. در ۱۹۶۲ «کار پانتهیه» مسؤول انتشارات دولتی کوبا شد. در همین دوره بود که ظرف مدت ۴ سال و نیم نزدیک به سی میلیون نسخه کتاب اعم از کتب درسی، تحقیقی و ادبی و علمی در کوبا منتشر



يك چنین شیوهٔ زمان‌نویسی که در چند اثر اولیه نویسنده حدوداً نایمهٔ دههٔ ۵۰ قرن حاضر - نمودی مشخص دارد، هم‌روند با سقوط دیکتاتوری در موسطنش کوبا، در ترسیم خشونت‌بار آهنگ انقلاب و در مبارزات شدید طبقاتی؛ با رشد و استقرار نظام نوین اجتماعی، به‌سوی نوعی رئالیسم مردمی تکامل می‌یابد و او را به‌خلق چند اثر از جمله آخرین رمان رئالیستی‌اش با نام «صقر بهار» (شاهین بهار)<sup>۱</sup> (۱۹۸۰) رهنمون می‌گردد.

از نخستین رمان او با نام «لطف و سپاس خدا بر سینور باد»<sup>۲</sup> (۱۹۴۶) که عنوانش از لحن محاوره‌ای سیاهان امریکای لاتین و از ژرفنای منطق بدوی زبان بسومیان اقتباس شده است (*Ecue Yambaol*)، تا آخرین آن با نام «صقر بهار» که به‌تیین نوعی رابطهٔ علت و معلولی میان مبارزات آزادیخواهانهٔ خلق اسپانیا علیه دیکتاتوری و امپریالیسم در سال ۱۹۳۷ و پیروزی انقلاب کوبا، در ۱۹۵۹ دست‌زده است، تکامل ناموزون و پیچیدهٔ قالب و محتوای آثار «کارپانتیه» را می‌توان به‌وضوح مشاهده کرد.

دومین رمان او با نام «درد قلمرو این جهان»<sup>۳</sup> (۱۹۴۹ م.) نویسنده را به‌شهرت جهانی می‌رساند. در این رمان نویسنده با الهام از سیمای خونخوار شاه کریستف<sup>۴</sup>، تابلوئی حماسی از شورش سیاهان هائیتی تصویر می‌کند که در ورزش نسیم انقلاب کبیر فرانسه، رهائی خویش را از تیره‌روزی و بردگی احساس می‌کنند. رمان با قطع و وصلهای سریع و مداوم، تلاطم وقایع انقلاب فرانسه در پاریس را با ریتم تند و وحشتناک رقص سیاهان - همچون مونتاژی موازی در سینما - پیوند می‌زند که از ورای آن پرهیب سهمگین و ضدانقلابی امپراطور ناپلئون اندک‌اندک چهره می‌نماید.

در آخرین سالهای دههٔ ۵۰ تم کلی تعاون و تداخل فرهنگ‌ها در شمای جهانی آن، موضوع کتاب «تقسیم‌آنها»<sup>۵</sup> قرار می‌گیرد که نوعی رمان داستانی - تحلیلی است. در این اثر کارپانتیه از بازگشت زمان به‌منشأ ازلی آن سخن می‌گوید. در سفر نمادین قهرمان کتاب که در جستجوی ترانه‌های گمشده و آلات موسیقی ناشناختهٔ بومی از مسیر رودخانهٔ «اورناک علیا»<sup>۶</sup> به‌سوی سرچشمهٔ آن کشتیرانی می‌کند، نویسنده به‌بازیابی نوعی تأثیرپذیری متقابل ذهنی و تعاطی عناصر فرهنگی می‌پردازد. این جستجوی نویسنده، اما، چونان کاوش‌های «لوی استروس»<sup>۸</sup> در اثر معروفش «گرمسیریان اندوهگین» نیست. برای کارپانتیه که در جوامع

1- *Sacre du Printemps* (1980)

2- *Loue Soit le Seigneur (Ecue yambaol)* (1949)

3- *Le Royaume de ce monde* (1949)

4- هانری کریستف (۱۸۲۰-۱۷۶۷) شاه هائیتی که در شورش سیاهان در ۱۸۲۰ کشته شد.

5- *La Symbiose des cultures*

6- *Le Partage deseaux* (1950)

7- *Haut-Orenoque* نام رودخانه‌ای است در آمریکای لاتین در کشور ونزوئلا که به‌طول ۲۱۲۶ کیلومتر امتداد دارد و به‌اقیانوس اطلس می‌ریزد.

8- *Lévi Struss* نژادشناس معروف فرانسوی و عضو آکادمی فرانسه متولد ۱۹۰۸ بروکسل استروس از بانیان پژوهشهای ژنادی است که تحقیقات متعدد و عمیقی نیز در اساطیر، زبان و

آمریکای لاتین تمامی مراحل تاریخ تکامل آدمی را از دوران نوسنگی تا زمان شهرهای مدرن یورژوازی، همزمان و یکجا می‌تواند ببیند، راه وصول به آرمان انسان آینده‌را، جز از طریق تأثیر و تأثر متقابل فرهنگهای خلقی آفریقائی، امریکائی و اروپائی و جذب عناصر پیشرو آن به وسیله استعدادهای فوق العاده مادی و معنوی امریکای لاتین، میسر نمی‌داند. تم (theme) این اثر نویسنده بزرگ چنین تلقی کلی و سمبلیک از تعاون متقابل ایدئولوژی و فرهنگ در جهان استوار است.

اگر به ما اجازه مزیت دادن يك كتاب بر كتابهای دیگر کار پانته داده شود، بسی گمان این کتاب، رمان بزرگ او «قرن روشنائی‌ها»<sup>۱</sup> است. نویسنده در این رمان بر محوره شخصیت اصلی کتاب خویش: استبان، سوفیا و ویکتور هوگ به تحلیل انقلاب کبیر فرانسه می‌پردازد و پرتو تحولات بزرگ آن را بر جزایر کارائیب (مستعمره فرانسه) می‌افکند. ویکتور هوگ که از سوی کنوانسیون مأمور می‌شود تا انقلاب را به دنیای جدید ببرد - برای مستمره - نشینان تیره روز دو ره آورد عمده در آستین دارد: فرمان ۱۶ پلوویوز سال ۲ (که برده‌داری را لغایمی کرد) و گیوتین!

«قرن روشنائی‌ها» اما بیشتر، داستان سیر و سلوک استبان نوجوان کوبائی است که ناخواسته به همراه ویکتور هوگ - که تصادفی عجیب او را به کوبا و به زندگی را کدوسا کن استبان و سوفیا کشانده است - به کوران بزرگترین حادثه قرن یعنی انقلاب کبیر فرانسه پرتاب می‌شود. «کار پانته» مراحل مختلف تکامل اندیشه و آرمان انقلابی نوجوان کوبائی را در آستانه گام نهادن به قرن روشنائی‌ها (قرن ۱۹) تصویر می‌کند. در آئینه صاف و زلال ذهن پویا، اما، عاطفی و زخم پذیر استبان و سوفیا دوگانگی حقیقت و واقعیت را که در تضاد اندیشه و رفتار ویکتور هوگ به عنوان انقلابی بزرگ و کمیسر مسؤول رخ می‌نماید، با هنرمندی توصیف می‌کند. این نوع برخورد نویسنده با روند وقایع، نمودار نوعی کشف و شهود از حقایق تاریخی در دید اوست. تاریخ و تضادهای آن، البته بایک چنین کشف و شهود شخصی از واقعیت‌ها، قابل تبیین نیست، لیکن با اینهمه نویسنده توانسته است تمامی تضادهای طبقاتی و درد و رنج‌های دردناک آدمی را در لحظه‌های کلیدی تاریخ نشان دهد و سرانجام با مرگ سوفیا و استبان در يك تصادم انقلابی کوشش بی‌دریغ انسان را در جسامه عمل - پوشاندن به آرمان انقلابی خود، هنرمندانه به تصویر بکشد. «قرن روشنائی‌ها» که در سال ۱۹۶۲ منتشر شده فرآیند تجربه‌های دشوار کار پانته در حوزه اندیشه اجتماعی و فرم و بیان خاص هنری است. روندی دردناک و پیچیده که اگر چه زایش نوعی رئالیسم حاد و خشن از

→

فرهنگ ملل مختلف، به ویژه، مردم آفریقا و آمریکا انجام داده است. کتاب «استوهای غم انگیز» (*Tristes Tropiques*) با چنانکه در متن آمد «گرمسیریان اندوهگین»، مهم‌ترین اثر او در زمینه ژادشناختی است.

۱ - در ترجمه فارسی انفجار در کلیسای جامع (1962) *Le Siacle des Lumiers*  
 ۲ - ۱۶ پلوویوز سال ۲ از آغاز انقلاب کبیر فرانسه سالی است که فرمان الغاء بردگی در فرانسه صادر شد. پلوویوز سال ۲ نام ماه و سال تقویم جدید انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹ م) است.

میان انواع سبکهای نگارش حاصل آنست، اما، این واقع گرائی هنوز با عناصری از سوره تالیسم و نوعی ناتورالیسم همراه و عجیب است.

در سال ۱۹۶۷، کتاب «جنگ زهان»<sup>۱</sup> منتشر می شود که متضمن نوعی بازیابی حماسی از پنج نبردی است که در گذشته ای دور اتفاق افتاده. حالت نمادین این «تم» که در روایتی افسانه وار شکل گرفته است به «کارپانتیه» کمک می کند تا عدم تعادل میان انسان تاریخی و زمان او را مورد تحلیل و نقد قرار دهد.

در «توسل به مقدس»<sup>۲</sup> (۱۹۷۴) نویسنده به یاری طنزی ظریف و عمیق به تصویر آدم آهنینی از نوع دیکتاتورهای آمریکای لاتین می پردازد و در تصاویری نمادین، طبیعت و ماهیت بی اراده دیکتاتورهای سرزمین خویش را برملا می سازد.

در سال ۱۹۷۸ «چنگ و سایه»<sup>۳</sup> جایزه ادبیات را برای نویسنده اش به ارمغان می آورد این رمان از دید تکنیک، ترکیب بدیع و شگفت آوری است که در آن تداوم کروئولوژیک (*chronologique*) زمان در هم شکسته شده است. از یکسو وقتی کریستف کلمب از طرف پاپ بی نهم (*Pape pie IX*) تقدیس می شود، به یکباره مبدل به یکی از محورهای انسانیت دریکی از فرازهای تاریخ می شود و از سوی دیگر، نویسنده اشباح کارل ماركس، لئون بلوی (*Leon Bloy*)<sup>۴</sup> ژول ورن، ویکتور هوگو، و لامارتین را با یکدیگر برخورد می دهد و رمان در تداوم داستانی و هم گونه اش به يك باله خیالی با تصاویر قدرتمند بدل می شود که در آن شخصیت های طراز اول تاریخ به ایفای نقش های نمادین می پردازند.

سرانجام نویسنده با کتاب «کنسرت باروک»<sup>۵</sup> ما را به ونیز می برد، به شهری که در سال ۱۷۷۳ مکان اجرای اپرای مشهور «آنتونیو ویوالدی»<sup>۶</sup> (*Antonio Vivaldi*) زیر عنوان «مونت زوما» (*Montezuma*) است. «کارپانتیه» با یادآوری شخصیت «مونت زوما» پادشاه قوام تمدن آزنک که بوسیله تجاوزگران اسپانیائی یکسره نابود شدند، فاجعه دردناک اضمحلال این قوم را در ترنم موسیقی «ویوالدی» زنده می کند و به ایجاد تأثیر شدید عاطفی موفق می گردد. آخرین اثر «آلخوکارپانتیه» فقید، کتابی است با نام حقریهاد (شاهین بهار) که داستان آن در اسپانیا، در بحبوحه جنگهای داخلی این کشور در سال ۱۹۳۷ اتفاق می افتد. نویسنده خود در باره این کتابش - که پس از مرگ او منتشر گردید - می گوید: «جنگ، جبهه، وقایع سیاسی و تاریخی که در این کتاب توصیف شده است، در واقع، رویدادهای مهمی هستند که توانستند بزهت مردم و بر تضادهای درونی جامعه کوبا، تأیروزی انقلاب در سال ۱۹۵۹ تأثیر بگذارند. رمان من با نبرد «پلی یاژیرون» (*Playagiron*) که اولین پیروزی مهم خلق آمریکای لاتین علیه امپریالیسم شمالی (امپریالیسم آمریکا) است، به پایان می رسد.»

ترجمه م. ق. پورداد

1- *Guerre du Temps* (1967) 2- *Lerecours de lamethode* (1974)

3- *la Harpe etlombre* (1978)

۴- لئون بلوی نویسنده فرانسوی (۱۹۱۷-۱۸۴۶) که شهرتش بیشتر بواسطه جدلهای قلمی و شب نامه های طنز آمیزش است.

5- *Concert Baroque* (1979)

۶- آنتونیو ویوالدی (۱۷۴۱-۱۶۷۸) موسیقی دان معروف ایتالیائی که چنانکه آمد اپسرای معروفی با الهام از شخصیت «مونت زوما» ساخته است.